

## ارتباط قلبی با الله متعال

### خطبه اول

الحمد لله منزل الكتاب و هدى وذكرى لأولي الألباب و الصلاة والسلام على نبينا محمد المفضل على البشر بجوامع الخطاب و وعلى آله المطهرين والأصحاب.  
و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و وأشهد أن محمداً عبده ورسوله شهادة تنجى صاحبها يوم الحساب.

﴿يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿١﴾﴾ (النساء: ١)

﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُونُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾﴾ (آل عمران: ١٠٢)  
﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾﴾ (الأحزاب: ٧٠-٧١)

أما بعد:

برادران وخواهران مسلمان

رسول الله ﷺ کالبدی از خوبی و صفات والا و در حقیقت قرآنی زنده بودند که با دو پا روی زمین خاکی بین انسانها قدم میزدند و کسی را توان شمردن صفات خوب ایشان نیست و رسول الله ﷺ تجسمی خوبیها و زیباییها بودند و وهر حرکتشان شایان ثنا و مدح.  
از این دریای بی ساحل خوبیهای چون در و مرجان بیرون میکشیم.

١. اخلاق پسندیده و نیکوی آن حضرت و صفات کمالشان از چنان مقام والا بی برخوردار بود که پروردگار عالمیان در وصف ایشان چنین فرمودند: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾﴾ (القلم: ٤) (تو دارای خوی و صفات پسندیده و افعال حمیده هستی).

البته هیچ جای تعجبی نیست و چه خودشان فرمودند:

«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

الله متعال مرا برانگیخته تا مکارم برترین اخلاق را کامل کنم<sup>(١)</sup>.

آری! فرمودند: قواعد اخلاق را پایه گذاری کنم و بلکه سخن از مکارم اخلاق بسیار شایسته زدند.

رسول الله ﷺ نمادی است از اخلاق بسیار والا و نمونه و نه آنچه همه خوش اخلاقها میتوانند بدان دسترسی داشته باشند!

٢. در رحمت و مهر و شفقت به ملت اسلام و به تمام بشریت نمادی بودند از آقائی و سروری و تا بدانجا که ندای آسمان در حق ایشان چنین فرمود:

(١) به روایت امام طبرانی.

﴿ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾ ﴾ (الأنبياء: ١٠٧)

«و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم».

الله متعال در جائی دیگر میفرماید:

﴿ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾ ﴾ (الأحزاب: ٤٣)

«او نسبت به مؤمنان همواره مهربان بوده است!»

و در سوره مبارک آل عمران آمده است:

﴿ فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ﴾ (آل عمران: ١٥٩)

«پس به [برکت] رحمت الهی و با آنان نرمخو [و پُرمهر] شدی و واگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می شدند».

و خود آن حضرت نیز درباره خویش چنین فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مُّهْدَاةٌ»

«ای مردم من رحمتی هستم که به انسانیت هدیه شده ام»<sup>(۱)</sup>.

آری ای مسلمانان با این اخلاق نیکو و پسندیده بود که رسول الله ﷺ توانستند به دلها نفوذ کنند و انسانها را شیفته خود نمایند.

انس بن مالک یار و همراه پیامبر ﷺ روایت میکند: روزی همراه با رسول الله ﷺ در مسجد بودیم. مردی روستائی از راه رسید و ودر گوشه‌های از مسجد شروع کرد به ادرار کردن!

یاران پیامبر اکرم ﷺ از دیدن این صحنه مات و مبهوت شده و داد زدند: وای.. وای..؟

پیامبر ﷺ فرمودند: رهائش کنید و وحشت زده اش نکنید!

همه ساکت شدند تا روستائی بیفرهنگ کارش را تمام کرد.

سپس پیامبر ﷺ به نرمی او را صدا زده و با لطافت و مهربانی بدو گفت: این مسجد خانه پروردگار است و ودر آن شاشیدن ویا آشغال ریختن روا نباشد و مسجد جای عبادت و ذکر و نیایش پروردگار و تلاوت قرآن است.

سپس یکی را فرستادند تا سطل آبی آورده و بر جایی که نجس شده بود بریزد<sup>(۲)</sup>.

از تصاویر مهر و سروری آقایمان به این حکایت گوش فرا دهید:

جوانی پریشان و مست باده ای و خدمت آن حضرت ﷺ رسیده گفت: یا رسول الله! به من اجازه بده زنا کنم!!

افرادی که در آنجا بودند بسیار خشمگین شده سرش داد کشیدند: خفه شو و این چه حرفی است و...

پیامبر اکرم ﷺ در کمال آرامش و مهر و عطوفت به جوان حیران فرمودند: بیا نزدیک من بنشین.

(۱) به روایت امام حاکم والبنانی آنرا صحیح شمرده.

(۲) به روایت امام بخاری و امام مسلم.

آن جوان به پیامبر ﷺ نزدیک شد. آن حضرت به آرامی به او فرمودند: آیا زنا را برای مادرت میپسندی؟

جوان شرمسار و پریشان گفت: قربانت گردم سرورم و نه به الله قسم!  
پیامبر ﷺ به آرامی فرمودند: و همچنین دیگران آنها را برای مادرانشان نمیپسندند. آیا فاحشه را برای دخترت میپسندی؟

جوان حیرت زده گفت: فدایت شوم سرورم و نه به الله سوگند.  
رسول الله ﷺ در کمال آرامش به او فرمودند: و همچنین سایر مردم آنها را برای دخترانشان نمیپسندند. آیا زنا را برای خواهرت روا میدانی؟

جوان با شرمندگی گفت: قربانت روم سرورم و نه به الله سوگند.  
پیامبر ﷺ فرمودند: و همچنین دیگران آنها را برای خواهرانشان روا نمیدارند. آیا فاحشه را برای عمهات میپسندی؟

جوان پریشان گفت: نه به الله سوگند و فدایت شوم.  
پیامبر فرمودند: و همچنین دیگر مردم آنها را برای عمههایشان قبول نمیکند. آیا آنها را برای خالهات روا میداری؟

جوان سرشکسته گفت: نه قسم به پروردگارم و الهی فدایت شوم.  
رسول الله ﷺ فرمودند: و همچنین دیگران آنها را برای خالههایشان روا نمیدارند.  
سپس در کمال مهر و شفقت پدری دستان مبارکش را بر سینه جوان گذاشته و به درگاه پروردگار عالمیان دعا کردند: بارالها! گناهان این مرد را بیامرز و و قلبش را پاک گردان و و شرمگاهش را حفاظت کن.

از آنروز به بعد آن جوان بسیار نیکوکار و پرهیزکار گشته هرگز با چشم بد به دخترهای مردم نگاه نکرد<sup>(۱)</sup>.

این است روش آقا و سرورم؛ رسول الله ﷺ...

با این اسلوب زیبا و وبا مهر و شفقت پدری و پیامبر اکرم ﷺ به قلب آن جوان راه پیدا کرده و زشتی و قباح آنچه در پی آن بود را برای او روشن نمود. و این باعث شد او جوانی پرهیزکار و پاک دامن و خدا ترس شود.

برادران و خواهران عزیز:

ارتباط قلبی با الله متعال هم یکی از نعمتهای بزرگ پروردگار متعال می باشد و این ارتباط به سبب اعمالی میسر می گردد که خالص برای الله متعال باشد و اعمال قلبی بسیار مهم است و چرا که انسان با آن می تواند نزد الله متعال به درجههایی نایل شود و در حالی که نشسته باشد و عملاً کاری انجام ندهد باشد و البته این بدین معنا نیست که هرگز کار نیکی انجام ندهد و هرگز نمازی نخواند

(۱) به روایت امام احمد.

و نه و بلکه ممکن است کسان دیگری باشند که بیشتر از شما کار کنند و یعنی بیشتر نماز بخوانند و صدقه بدهند و حج کنند و مساجد را پاکیزه نگه دارند و طاعت‌های دیگر انجام دهند و اما از لحاظ مرتبه و درجه پایینتر از شما باشند و چرا؟!

زیرا شما با اعمال دل می‌توانید نزد الله متعال مراتب بالاتری را به دست بیاورید و واز آن جهت که کار دل خود در بسیاری مواقع بیشتر از کار اندام‌های دیگر و انسان را بالا می‌برد.

برای نمونه ابوبکر صدیق رضی الله عنه به خاطر این که بیشتر از همه نماز شب و روزه و شب زنده‌داری داشت از امت اسلامی پیش نیفتاده است و زیرا چه بسا در میان آنها کسانی دیگری هم بوده‌اند که از ابوبکر رضی الله عنه بیشتر عبادت می‌کرده‌اند و اما ابوبکر رضی الله عنه به خاطر چیزی که در دلش آرام گرفته بود و گوی سبقت از آنها ربود.

پس اگر این اعمال در سینه‌ی انسان تحقق یابد و او را از کسانی که آن را ندارند و بالاتر می‌برد... این چیزهایی است که باید به آن توجه داشت. شما وقتی نماز می‌خوانید بر می‌خیزید و رکوع می‌کنید و روزه می‌گیرید و می‌آیید و می‌روید و رمی جمرات می‌کنید و دور کعبه می‌گردید و وضو می‌گیرید و اینها اعمال اندام‌های بدن است و در قضیه‌ی دل کارهایی هست که از اینها کم اهمیت تر نیست و بلکه بالاتر و بالاتر از آن است و با وجود این که لازم است این دو با هم جمع گردند.

اما گاهی انسان با زیرکی و تفکر و ایمان خویش به مراتبی می‌رسد بالاتر از کسی که بیشتر از او اعمال ظاهری دارد. ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: «راه خشنودی و محبت و انسان را حرکت می‌دهد هر چند او در بستر خود آرمیده باشد و و چند مرحله او را پیش می‌برد»<sup>(۱)</sup>

اگر انسان با خویشتن خویش بیندیشد و در درون خود بگوید که هر اتفاقی بیفتد از پروردگار خشنود است و مطمئن است که این برای او بهتر است و بگوید پروردگارا بهتر می‌دانی و من نمی‌دانم تو دانای مطلق هستی و من ناتوانم تو توانایی و تو صاحب عزت هستی و من خوار و بی‌مقدار و وهم‌چنان در دل خود این احساس را داشته باشد و با خود تکرار کند و در دلش این احساسات را پیروراند و یعنی تأمل و تفکر و همین او را نزد الله عزوجل به درجات و الایی می‌رساند و او را به الله متعال نزدیک می‌گرداند و هر چند دیگران از لحاظ کارهای فیزیکی از او فعالیت باشند.

برادران و خواهران مسلمان... دنیا خانه‌ای است که از سختی و درد خالی نیست و انسان در آن از غم و غصه در امان نمی‌ماند. رسول الله (صلی الله علیه و علی آله وسلم) می‌فرماید: «الدُّنْيَا سِجْنُ

الْمُؤْمِنِ وَ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ» [مسلم]

«دنیا زندان مومن و بهشت کافر است».

آنکه در حال اهل این زمانه تأمل کند خواهد دید افسردگی و دل‌تنگی و نگرانی به علت دلمشغولی‌های فراوان و بیماری‌های مختلف روانی بسیار شده است. تا جایی که کار برخی از آنان به خودکشی رسیده است. برای همین به شدت نیاز است تا روش و منهجی که باعث به وجود آمدن

(۱) مدارج السالکین و (۱۷۶/۲) از ابن قیم.

«حیات طیبه» زندگی خوش می‌شود شناخته شود. روشی که به واسطه آن سینه‌ها گشوده شده و شادی و بهجت و سرور به بار آورد.

برادران و خواهران... این تاملی است در اسباب به دست آمدن این خواسته‌های باارزش و این معانی بلند و بر اساس منهج دو «وحی» یعنی کتاب و سنت و وسیرت سرور پیامبران صلی الله علیه و علی آله وسلم

نخستین این اسباب محقق گرداندن ایمان به الله متعال است. ایمانی که محبت الله و رسولش را به وجود می‌آورد و و اینکه ترس و امید را تنها برای الله قرار دهیم و کارها را به او بسپاریم و در کنار حدود او بایستیم و از آن تجاوز نکنیم:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾﴾ (النحل: ٩٧)

(هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعا او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلما به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد)

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾﴾ (الطلاق: ٢)

(... و هر که تقوای الله را پیشه سازد [الله] برایش راه برون رفتی قرار خواهد داد)

سعادت و خوشبختی در طاعت الهی است و شادی و سرور در عبادت او... از سویی دیگر بدبختی با همه معانی خود و تنگی و سختی زندگی به مفهوم کامل خود و در شرک به الله و بدعت در دین و در گناهان و بدی‌ها است. آنچه انسان بدکار دچار آن می‌شود مانند دلتنگی و سنگدلی و غم و غصه و تنها مجازاتی است زود هنگام و چنانکه ابن قیم رحمه الله می‌فرماید: جهنمی است در دنیا و پیش از آخرت.

الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا ﴿١٢٤﴾﴾ (طه: ١٢٤)

(هر کس از ذکر (یاد) من روی بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت) ای انسان مسلمان... بدان تنها کسی که تدبیر امور در دست اوست الله متعال می‌باشد و او نیست به بنده مومنش از خودش نیز مهربانتر است... پس در برابر او سجده بیاور و به او اعتماد کن و به فضل و کرم او امیدوار باش تا زندگی‌ات خوش شود و قلبت آرام گیرد و شادی‌ات افزون گردد و اگر بر الله توکل کرده‌ای خود را اسیر خیالات و اوهام بد مکن.

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿٣﴾﴾ (الطلاق: ٣)

(... و هر کس بر الله توکل کند او برای وی بس است...)

یعنی الله او را در همه کارهایش و در همه چیزهایی که برایش مهم است و کافی خواهی بود. سبب دوم برای به دست آوردن خوشبختی صبور بودن است در هنگام مصیبت‌ها و تنگناها... رسول الله (صلی الله علیه و علی آله وسلم) می‌فرماید:

«عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ وَإِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ وَ لَيْسَ ذَاكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ وَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ وَ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ» (مسلم)

«عجیب است کار مومن که همهٔ امورش برایش خیر است و واین خصوصیت نیست مگر برای انسان مومن و که اگر خوبی و خوشی به او برسد شکر کرد و که این برایش خیر خواهد بود و اگر ناخوشی و زبانی به او رسد صبر کرد که این نیز برایش خیر خواهد شد» [به روایت امام مسلم] أقول قولی هذا و أستغفر الله لي ولكم و فاستغفروه إنه هو الغفور الرحيم.

## خطبه دوم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

أما بعد:

الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ﴾ (الحجرات: ۱۰)

«در حقیقت و مؤمنان باهم برادرند پس میان برادرانتان صلح و صفا برقرار کنید» در صحیح مسلم از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده که فرمودند: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُظْلَمُهُ» «مسلمان برادر مسلمان است و نه بر او ستم می کند و نه او را می گذارد و نه او را تسلیم دشمن می کند».

از سوی دیگر خلق و خوی مردم متفاوت بوده و احساسات و علم و ذکاوت و مزاج و ادراکشان مختلف و آرزوها و رویکردهایشان گوناگون است ... و همین امر باعث می شود که دعوتگر باید به انتخاب راه [برای برقراری ارتباط و دعوت] بپردازد و و راههای مناسب برای هر یک از این سرشتهای مختلف و عقلهای متفاوت برگزیند.

آری و بعضی از مردم زود خشمگین می شوند و و بعضی نرم خوترند و بعضی تحصیلکرده و بعضی بی سواد و بعضی در جامعه با قدر و منزلت اند و برخی دیگر فاقد آن و بلکه علی رضی الله عنه در بیانی در توصیف قلوب بصورت کلی می فرماید:

همهٔ قلبها وحشی و رام نشدنی اند و هر کسی با آنها الفت یابد به او استقبال نشان می دهند. علی رضی الله عنه آنها را به حیواناتی غیر اهلی تشبیه کرده که به صورت سرشتی الفت نمی شناسند و این مسأله در میدان نصیحت و دعوت آشکار می گردد و الله اعلم .

آیا کسی راضی می شود که جهل یا ناآگاهی و یا تصرف ناشایست در کارها را به او نسبت دهیم. انسانی که جاهل خوانده شود به شدت خشمگین می گردد و ولذا می بینیم چنانچه اشتباهی به او گوشزد شود عصبانی می گردد و بعد از اینکه به حقیقت پی برد در صدد مقابله با آن برمی آید از ترس اینکه مبدا جهل [گذشته اش] آشکار گردد.

در مجال و عرصه دعوت و شخصی که در صدد ایجاد ارتباط و نزدیکی با وی هستیم دوری می گزیند و بلکه شاید به انگیزه دفاع از خود و اذیت و آزار هم برساند و و هر کس که در تربیت دادن غیر اهلی ها حکمت و بصیرت به کار برد این شاء الله در هدایت کردن مردم موفق خواهد بود. کسی تربیت موفق دارد که بر جنبه خوب موجود و در مردم تأکید کرده و بدون ارتکاب ریا و به خاطر عنایت و اهتمام به تربیت یافتگانش اشتباهات و حماقتهایشان را نادیده بگیرد و تا اینکه به

سرچشمه خیر و نیکی در درونشان نفوذ می کند و در این هنگام بذر محبتش در دل تربیت یافتگان کاشته شده و اعتمادشان را جلب کرده است.

مقداری سعه صدر و احاطه به سرشت انسانها ضامن تحقق خیر در مردم است به گونه ای که تعداد زیادی گمانش را نمی برند. باید ملاحظه توانمندیهای مدعو و مستوای احساساتش را نیز اضافه کرد و چیزی به او گفته نشود که عقلش توانایی هضم آن را ندارد که نتیجه آن یا نفرت و سرگردانی است و یا پریشانی خاطر و اندیشه و افتادن در تاریکی فتنه و آشوب.

انتخاب اوقات مناسب یکی از نشانه های بزرگ و تأثیرگذار حکمت و وجود آن است که بیان جامعی از ابن مسعود رضی الله عنه آن را متبلور نموده است: قلب مردمان گاهی متمایل بوده اقبال می کنند. و گاهی هم پشت کرده و بریده اند و به هنگام تمایل و اقبالشان آنان را دریابید و وبه هنگام بریدن و پشت کردن رهایشان سازید.

در مقابل مسائلی که در مورد اصناف و طبقات مردم و خُلق و خوی های متفاوت مردم و ملاحظه وقایع و مناسبت ها و ... گفتیم. دقت نظر در مورد آن چیزی که به سوبش می خوانیم نیز بسی مهم است و بی شک حکمت مقتضی تأمل در مراتب امور دعوت است تا اینکه به ترتیب اهمیت عرضه شوند و ولذا قضایای عقیده و اصول دین و آئین در درجه اول قرار می گیرد و زیرا اگر این مسائل در بندهای صحیح نباشند و کار نیک و عمل شایسته برایش سودمند نخواهد بود:

﴿ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ﴾ (الکف: ۱۰۳ - ۱۰۵)

«بگو: آیا به شما خبر دهم زیانکارترین مردم کیست؟\* کسانی هستند که کوششهایشان در زندگی دنیا گم و نابود شده با این حال گمان می کنند کار نیک انجام می دهند. آنها کسانی هستند که به آیات پروردگارش و دیدار او کافر شدند به خاطر همین کفر به مبدأ و معاد اعمالشان نابود شد و لذا روز قیامت میزانی برای آنان برپا نخواهیم کرد».

در دعوت و هم کلیات هست و هم جزئیات و هم واجبات و هم مستحبات و هم محرّمات و هم مکروهات و هم قضایای بزرگ و هم قضایای کوچک ... هر کدام باید جایگاهش شناخته شده و سرجای خودش قرار داده شود.

گمان می کنم مسأله واضح تر از آن باشد که نیاز به تفصیل سخن باشد و به عنوان سند و مدرک به روش معاذ بن جبل رضی الله عنه بنگرید که به عنوان نماینده و فرستاده پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به یمن رفت و منهج و روشش را پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با این فرموده خود برایش ترسیم کرد:

﴿ إِنَّكَ تَقْدِمُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَى أَنْ يُوحِدُوا اللَّهَ تَعَالَى وَ فَإِذَا عَرَفُوا ذَلِكَ وَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ فَרَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي يَوْمِهِمْ وَ لَيْلَتِهِمْ وَ فَإِذَا صَلَّوْا وَ فَأَخْبِرْهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ زَكَاةً فِي أَمْوَالِهِمْ وَ تُوْخَذُ مِنْ غَنِيَّتِهِمْ فَتُرَدُّ عَلَى فَقِيرِهِمْ ﴾ (بخاری)

«به درستی که به میان قومی از اهل کتاب می‌روی ولذا اولین چیزی که باید آنها را به سویش بخوانی شهادت به وحدانیت الله ورسالت محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. اگر در این مورد اطاعت کردند به آنها یاد بده که الله در هر شبانه‌روز پنج وعده نماز بر آنها فرض کرده است. و اگر در این مورد اطاعت کردند پس به آنها یاد بده که الله زکات را بر آنها فرض کرده و از ثروتمندانشان گرفته شده و به فقرایشان داده می‌شود».

عباد الله! صلوا وسلموا علی من أمرتم بالصلاة والسلام علیه فی قوله سبحانه: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (الأحزاب: ۵۶) و اللهم فصلِّ وسلم علی عبدك ورسولك محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین و والتابعین لهم بإحسان إلى يوم الدين.

اللهم ارض عن الصحابة الأخيار و آل البيت الأبرار و اللهم إنا نشهدك حب نبيك و وأهل بيت نبيك و أصحاب نبيك و ومن سار علی نهج نبيك صلی الله علیه وآله وسلم.

اللهم وفقنا لما حَب وترضى و اللهم انصر الإسلام والمسلمين و ودمر أعداءك أعداء الدين.

اللهم اغفر لنا ولآبائنا وأمهاتنا وجميع المسلمين الأحياء منهم والميتين و برحمتك يا أرحم الراحمين و اللهم أب نفوسنا تقوها وزكها أنت خير من زكاها و أنت وليها ومولاها و ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار.

عباد الله! إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى و وينهى عن الفحشاء والمنكر والبغى و يعظكم لعلكم تذكرون.